

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۱۱۵

جلسه

۱۵۰

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه يك شنبه ۹

مهرماه ۱۳۰۶

مطابق ۵ ربیع الثانی

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

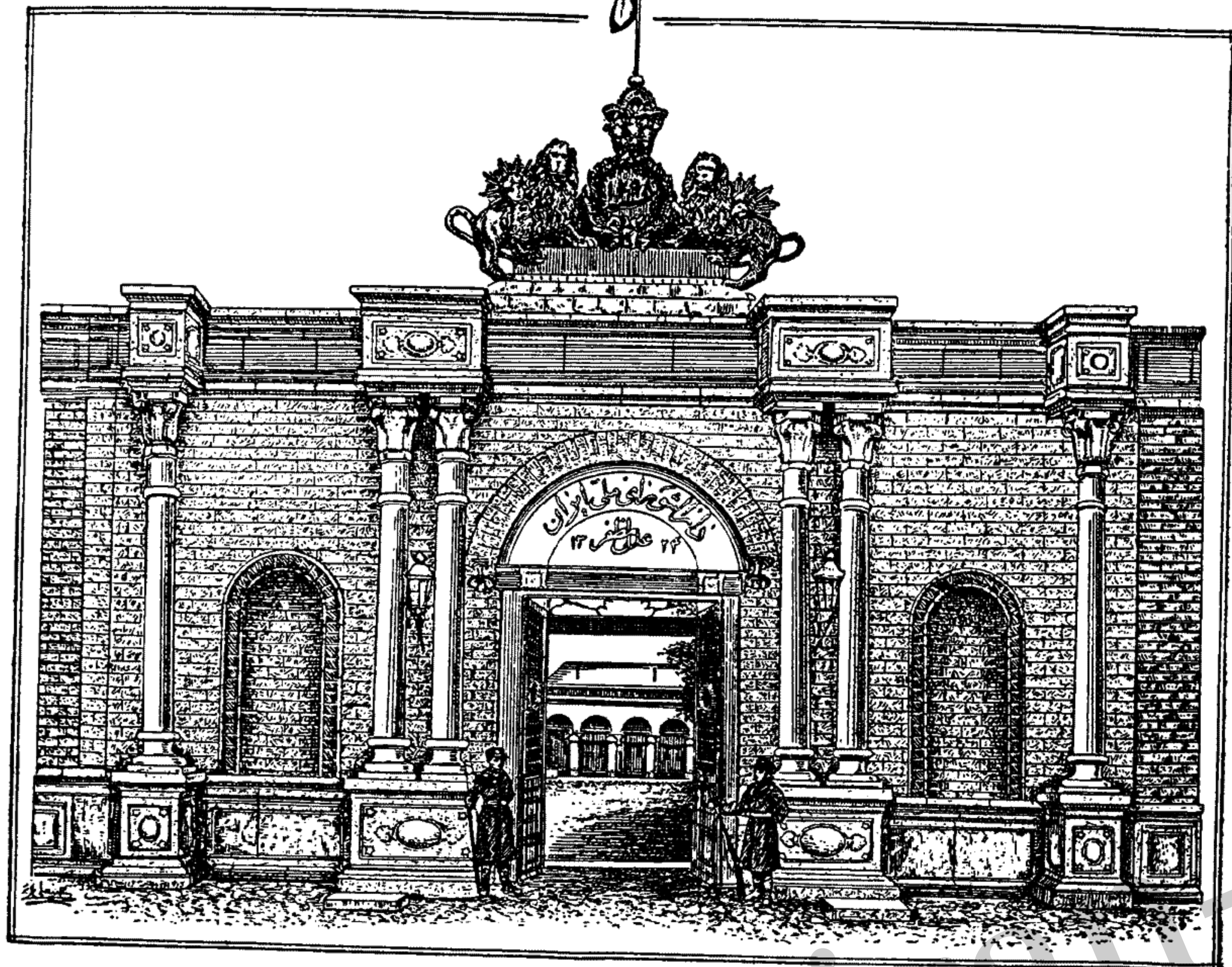
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تک شماره

يك قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ربیع الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۵۰

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست
آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(و صورت مجلس روز پنجشنبه ششم
مهر ماه را آقای بنی سلبهان قرائت نمودند)

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -
افشار - ضیاء - زارع - مهدوی - عباس میرزا - مسعود
فرمند - ثقة الاسلامی - فرشی - عدل - جوانشیر -

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شورائی نسبت بقانون بلدی از ماده ۲۸ الی ماده ۳۲	۲۳۹۷	

میرزا ابراهیم آشتیانی - ملک آرائی - صالحی - زعیم
آیه الله زاده اصفهانی -

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - باسائی
قوام شیرازی - افسر - حاج حسن آقا ملک - حاج
غلامحسین ملک - افخمی

(دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان: میرزا حسن خان وثوق - عراقی - شریعت
زاده - طباطبائی و کیلی -

(دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: سهراب خان - بهار

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس بنده دو اصلاح
در نظر دارم یکی اینکه در ماده ۲۶ که راجع بقسم
بود بعنوان تبصره بنده پیشنهادی کردم و در واقع
خواستم يك زمینة در مجلس و ادارات برای قسم پیدا
شود و معلوم شود که نظر مجلس در این قسمت چیست
و در آنجا خیلی باختصار نوشته شده و مقصود این بود
که اینجا مفصل نوشته شود یکی دیگر هم اینکه مقصود
بنده راجع بطرح اعطای قرضه های بلدی از داخله بود
نه از وزارت داخله .

رئیس - اصلاح میشود . صورت مجلس دیگر
ایرادی ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد قانون بلدی از
ماده ۲۸ مطرح است .

(ماده ۲۸ شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - تصمیبات انجمن آنچه مربوط بققرات: ۱ و ۳
و ۷ و ۹ و ۱۴ مذکوره در ماده فوق است . پس از
امضای حاکم باید بتصویب وزارت داخله برسد و بعد بموقع
اجراء گذاشته شود و آن قسمت از تصمیبات انجمن که

آزادی است و مشاغل آزاد باید در سابقه رقابت بهتر و
اصلاح شود اگر حالا يك اجبارانی برشان وارد آید و
از مجرای طبیعی خودش خارج شود بنده عقیده ام این
است که مردم بیشتر در مضیقه واقع میشوند مثلاً
کرایه مال التجاره از بوشهر به شیراز گاهی که برزباد میشد
کرایه ترقی میکرد و خرواری پنجاه تومان میشد و این
زیادی کرایه سبب میشد که بارکش زیاد می آمد و طبعاً
کرایه تنزل میگردد اما بنا بشد که يك حالت اجباری
در میان باشد بنده متعقدم که مردم در مضیقه واقع میشوند
از جمله مطالبی که باید عرض کنم این است که هفده فقره
در ماده ۲۷ ذکر شده است و بنده فقره آن تکلیفش
این جا معین شده است که پنج فقره آن مربوط به
تصویب وزارت داخله است و شش فقره آن هم بعد از امضای
حاکم اجرا میشود راجع بشش فقره دیگرش تکلیفش
معین نشده و اقلاً این قدر هم ذکر نکرده اند که منحصرأ
کافی است که نامضای خود انجمن یا امضای حاکم با وزارت
داخله باشد و بالاخره این قسمت رامسکوت عنه گذاشته اند
اگر جای دیگر تکلیفش معین شده است البته آقای مخبر
میفرمایند و بنده هم قانع خواهم شد این خلاصه عرایض
بنده بوده و بعد هم پیشنهادی در این خصوص تقدیم خواهم کرد

رئیس - به بنده تذکر داده شده است که چون
ماده ۲۸ مربوط است ماده ۲۷ و ماده ۲۷ هم مراجعه
شده است بکمسیون ماده ۲۸ مانند این که تکلیف آن
ماده معین شود . . .

عده از نمایندگان - صحیح است .

رئیس - پس ماده ۲۹ قرائت میشود .

(اینقسم قرائت شد)

ماده ۲۹ - انجمن های بلدی با اکثریت دو ثلث
می توانند منابع عایدی ذیل را بعنوان « عوارض بلدی »
برای مخارج بلدی برقرار نمایند :

۱ - تا پنج درصد از قیمت اصلی اشیائی که برای
مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود

و در همان حوزه بمصرف میرسد از قبیل ماکولات و
مصالح ساختمان و غیره باستثنای سبزی و سوخت حمام و
ناروائی .

۲ - پنج درصد فروغ اضافی بر مالیاتهای مستقیم
حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیه محل
بدون اینکه از این بابت مخارج اداری متوجه بلدی شود
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - البته آقایان تصدیق می فرمایند که
احتیاجات مراتبی دارد احتیاج در مرحله اولی نان است
و بالاخره برنج و گوشت و اینها و اگر چنانچه حقیقه
نان ارزان شد مردم ممکن است از سایر جهات در رفاهیت
واقع شوند و اگر نان گران شد در عین اینکه سایر
اشیاء یعنی پارچه و غیره ارزان باشد افقته برای مردم
پیدا نمیشود احتیاج مردم به نان و برنج و گوشت در
مرتبته اولی است و بلدیها باید سعی کنند که نان
و آن چیزهایی که در مرتبه اولی واقع شده و طرف
احتیاج است ارزان شود که مردم از این حیث راحت
باشند وقتی که مردم در رفاهیت باشند ممکن است در سایر
چیزها هم جور از آنها استفاده بشود ولی این جا اجازه میدهند
از آن چیزهایی که محل احتیاج بلد است يك عوارضی
بگیرند یعنی جو و گندم و برنج و سایر چیزهایی که
حیات مردم مبتنی بر آن است عوارض بر قرار کنند در
صورتیکه اینها در درجه اول واقع شده اند و حیات
مردم دایر مدار آن است و بایستی تمام مساعی مبذول شود
جهت ارزانی و فراوانیش و بالعکس باید وضع عوارض
کند بر چیزهایی که اگر نباشد مردم نمیگیرند یا چیز
هایی که از نقطه نظر احتیاج در مرتبه دوم و سوم و
چهارم واقع شده است بلکه بسیاری از آنها جزو چیز
های مستظرفه است این را بنده خلاف عقل و مصلحت
میدانم از این جهت بنده قائل هستم که آن چیزهایی
که خود انجمن تشخیص میدهد و محل احتیاج مردم
است و قوام مردم بهش قائم است باید صرف نظر شود

بعنی بلديه ها عوارض بر آنها تحميل نکنند از قبيل گندم و جو و گوشت و امثالش .

مير ممتاز مخبر کميسيون داخله - موقعی که اين موضوع در کميسيون مطرح بود از نقطه نظر اینکه بعد از تشکیل انجمن بلدی يك عوارضی را با اختیاراتی که فعلا مجلس بآن میدهد بتواند وضع کند و از آن عوارض تشکیلات خودش را مطابق قانون بدهد مذاکرات خیلی شد و بالاخره يك روز هم کميسيون فوق العاده تشکیل شد و با حضور حضرت آقای رئیس و آقای دکتر مصدق در اطراف این موضوع خیلی مذاکره شد که يك راه حلی پیدا بشود برای تعیین يك عوارضی که بالاخره متوجه عموم بشود زیرا مصارف بلديه و منافعی متوجه عامه میشود بالاخره این نظریه در آنجا اتخاذ شد و مذاکره شد که صد پنج از کلیه مصارف ماکولات شهری را اختصاص بدهند برای مصارف بلديه این بود که کميسيون این ماده را تنظیم کرده و در اطرافش خیلی مذاکره کردند البته حالا هم باید خیلی دقت بشود و اگر هم آقای کازرونی نظریاتی دارند ممکن است پیشنهاد کنند سایر آقایان هم پیشنهاداتی بکنند و هر کدام که بنظر مجلس صلاح باشد به کميسيون مراجعت خواهد کرد و کميسيون هم موافقت خواهد کرد

رئیس - آقای بامداد

بامداد - ماده چهار و قسمت اول از ماده بیست و هفت راجع بود باینکه بلديه عوارضی در شهر تحميل کند برای انجام وظائف آن دو ماده نظر آقایان هست که خیلی مورد مذاکره شد و بالاخره بجائی رسید و از طرف مخبر تقاضا شد بکميسيون ارجاع شود آن دو قسمت حکایت می کرد این قسمت را و ماده المواد این است و باید در اینجا زیادتر دقت شود بنده با این قسمت مخالفم یکی بنظر اینکه با قانون اساسی مخالف است که آن روز هم اصل ۱۸ را خواندم صریحاً هر گونه مالیاتی را ممنوع میکند عوارض و فروع را هم

تصریح میکنند و میگویند هیچ نوع مالیاتی را جز مجلس شورای ملی جای دیگر نمی تواند وضع کند و رد و قبول عوارض هم با مجلس شورای ملی است از این قسمت هم بگذریم بنده عرض میکنم که مگر چقدر باید این شهر ها و مردم عوارض و مالیات بدهند؟ بلديه بندر بهلوی هفتاد هزار تومان در سال عایدی دارد که الان خزانه دارد میدهد...

کی استوان - اهالی میدهند.

بامداد - بلی . اهالی میدهند . بلديه اصفهان سالی چند هزار تومان بلديه شیراز سالی سی و يك هزار تومان میگیرد این از کجا آمده است؟ این همان عوارضی بود که از مردم با انواع و اقسام می گرفتند و چون فوق العاده اسباب زحمت مردم بود آمدند و قانون هم بهمین راه وضع کردند و آنها را الغاء کردند . اگر فرض کنید از جیب خودتان ده تومان در آورید بدهید بکسی یا از جیب شما در بیاورند بدهند مگر فزونی میکند؟ این مردم بیش از این ناب و تحمل ندارند این صدی پنج خیلی زیاد است و مردم نمی توانند بدهند شوخی نیست بنا بر این بنده عقیده ام این است همین قلمی را که معین کرده اند از قبیل ماکولات و مصالح ساختمان و غیره تمام عوارض که تحميل میشود بر شهر ها همین ها بوده است و الا مالیات غیر مستقیم و مستقیم که یکی دیگر است و علیحده است و جزو بودجه عمومی دولتی است . الان مدتی است که شما این عوارض شهری را غیر مستقیم کردید که همه مردم بدهند و الان مردم دارند از تنفسشان پول می دهند يك قلیان و يك سیگار که میکشند مالیات میدهند دیگر ناب دادن يك عوارض دیگر را ندارند وقتیکه منابع ثروت و کار برایشان پیدا شد البته چیز دار که شدند خواهی نخواهی میدهند و اگر شما هم چیزی گرفتید برای مصارف شهری اجحاف نشده است در هر حال بنده تصور می کنم که این ماده که ماده المواد است خیلی محل مذاکره باید واقع شود و اگر آقای

مخبر صلاح بدانند همانطور که آن دو ماده بکميسيون ارجاع شده است اینهم ارجاع شود که يك قدر متیقنی گرفته شود برای عوارضات و حقیقه این جور نمیشود قبول کرد که صدی پنج عوارض که دیروز داده اند باز هم بدهند این يك ظلمی است باهالی شهر و واقع نمی توانند بدهند و خوب است این ماده راجع شود به کميسيون و همان طوریکه نظر اعضاء کميسيون و مخبر است چند نفر دعوت شوند و بيك شکلی این ماده را در آورند که اجحاف نشود ب مردم

مخبر - اولاً نماینده محترم فرمودند که اجازه را که امروز مجلس میدهد بانجمن بلدی برای وضع عوارض مخصوصی برخلاف قانون اساسی است تصور نمیکنم اینطور باشد و در کميسيون هم مواد قانون اساسی مراجعه شد و امروز هم مجلس خودش این اجازه را میدهد که انجمن بلدی با اجازه مجلس شورای ملی وضع يك عوارضی نکند مثل اینکه دولت يك لایحه این جا راجع بعوائد بلدی بیاورد و مجلس تصویب کند اینهم همان حکم را دارد هر دو اجازه مجلس است بعلاوه اینکه فرمودند تحميل فوق العاده بر مردم است و اسباب صدمه مردم خواهد شد اگر نظر مبارك عالی باشد وقتی که لایحه ۱۲۵ هزار تومان بلديه طهران مطرح بوده اینجا عنوان شد که این مربوط بشهر است و خود اهالی شهر باید این مصارف را بدهند و مربوط ببودجه عمومی نیست در اینجا حالا اگر ما خواسته باشیم يك بلديه داشته باشیم که مطابق با بلديه های معاصر باشد و قانونی هم باشد و سر و صورتی پیدا کند و این وظایفی را که در این قانون برایش قرار دادیم بتواند عملی و اجرا کند محتاج بيك عوائد كلي و فوق العاده است و اما اینکه فرمودند بنده قبول کنم برود بکميسيون و البته آخر هم همینطور خواهد شد بالاخره باید بنظر مجلس هم در این خصوص معین شود که کميسيون بدانند از روی چه زمينه اتخاذ نظر بکنند و نظر نمایندگان محترم را بدانند

رئیس - آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند که این ماده مراجعه شود بکميسيون کازرونی - بنده گمان میکنم که تا اندازه نظریات معلوم شده است و برای اینکه وقت مجلس ضایع نشود و چون بنده قطع دارم که این ماده هم ارجاع میشود بکميسيون حالا پیشنهاد کردم برگردد بکميسيون که اتلاف وقتی نشده باشد و بيك کاری پیشرفت کرده باشد

روحی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

روحی - عرض کنم که این ماده...

کازرونی - بنده استرداد میکنم

یک نفر از نمایندگان - پس گرفتند

روحی - اجازه گرفته ام باید عرضم را بکنم

رئیس - آقای عمادی هم عین همین پیشنهاد را کرده اند .

روحی - عرض کنم که آقای مخبر يك مدافعان در این قسمت کردند بنده هم از موافقین این ماده هستم و عرایضی دارم که شاید جناب عالی را هم (خطاب آقای کازرونی) اقناع کند و پس از اینکه مطلب روشن شد ممکن است مراجعه شود بکميسيون و در اطرافش مذاکره بشود

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای عمادی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود که بنده با این فقره اولش مخالف هستم بجهت اینکه فقره اولش معنایش این است که ان ابتلائان که سابق داشتیم که يك تخم مرغ با يك جوجه و يك من چوب و يك من ذغال را که دم دروازه جلویش را می گرفتند و يك چیزی می گرفتند حالا هم پیدا کنیم و بنده آن مقداری که از زحمت

دادن مردم و متعرض شدن مأمورین با افراد گریزان از ضرر گریزان نیستیم. میگویم میشود از افراد مردم چیز گرفت اما بیک شکلی که افراد مأمورین با افراد مردم طرفیت پیدا نکنند. سالها ما گرفتار خراج دم دروازه ها بودیم بیک بره هم بیک مرتبه اتفاق افتاد و در مجلس هم عرض کردم که بره پنجقرانی برای بنده کسی آورده بود دم دروازه من باب اینکه از چیزی نگیرند گفته بود مال مدرس است و برای او میبرم بالاخره این بره دو تومان از دستگاه درآمد آنهاست بعد از سه روز زحمت. در هر حال بنده عقیده ام این است که چون آقای مخبر هم نظر اصلاحی دارند آقایان اگر اجازه بدهند این فقره اول رها بشود چون تجربه اش را کردیم حالا فقره دوم را اگر دیدند کم است ممکن است زیاد بکنند یا وضع دیگر بگیرند ولی اشکالی که آقایان می فرمایند راجع بتصویب مجلس این اشکال در صورتی وارد است که بدون تصویب مجلس بگیرند ولی اگر آقایان این جا اجازه دادند آنوقت با تصویب مجلس میشود و رفع محذور میشود و آن پیشنهاداتی هم که سابقاً شد که باقی نظریات انجمن بتوسط وزارت داخله بیاید مجلس آنوقت حفظ قانون اساسی هم کاملاً شده است بجهت اینکه این یکیش این جا تصویب میشود. باقی هم توسط وزارت داخله می آید بمجلس و این برای مخارج فوری هم خوب است ولی آن فقره اولی اسباب زحمت مردم است و بقدری مفتش و مأمور برای اینکار درست میشود که هیچ عایدی نداشته باشد جز ضرر مردم. اما فقره دوم هیچ خرجی هم ندارد چون مأمورین مالیه میگیرند و اداره علیحده و عنوان علیحده لازم نیست حالا اگر آقایان اجازه میدهند بآن فقره دوم اکتفا بشود بهتر است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مخالف هستم

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مخالفم.

رئیس -- آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده عقیده ام این است که این شهرهای خراب ایران بالاخره باید آباد بشود و اینکه آقایان میفرمایند عوارض بدهند بالاخره باید مردم ایران صاحب ثروت و سعادت مند بشوند و از منابع ثروتشان این عوارض را بدهند و از حالا باید با همین ثروتهای کوچک کوچک بقدر وسع خودشان کم کم وسائل آبادی شهرها را فراهم کرد که اینقدر خرابه نباشد ماها خیلی از دنیا عقب هستیم هر جائی باید مطابق قوه شان مخارج آبادی و تنظیف شهرشان را بدهند و نباید بر بودجه مملکتی نحمیل کرد و صرف مخارج شهری نمود این مرسوم همه دنیا هست و بیک قاعده کلی است...

کاررونی - مثلاً کجا؟ کجا را دیده اید بفرمائید؟
روحی - و آقایان البته تصدیق میفرمایند که مایک حقی بهمین ترتیب بدهیم بانجمن بلدی صلاح است چون آنها هم وکیل و نماینده اکثریت مردم اند و با کثرت آراء انتخاب شده اند و لازم است بانها حق بدهیم که بیک عوارضی وضع کنند و البته وقتی که دیدند برای مردم بیک ضرر هائی دارد و نان و گوشت گران میشود وضع نمیکنند ولی البته فرض بفرمائید در سلطان آباد عراق اگر از هر ذرع قالی که خارج میشود بیک عباسی بگیرند این ضرری بجائی نمیزند و بیک عایدی برای آبادی شهر فراهم میشود و بیک مؤسسات خیریه ممکن است برای مردم تشکیل بدهند و بنده عقیده ام است که آقایان از این ماده اینقدر نترسند منتهی بیک صحبت هست و آن این است که ممکن است بعضی عوارض وضع شود

که سوء تأثیر ببخشد که در صادرات مملکت سوء تأثیری داشته باشد آنرا هم ممکن است بیک تبصره علاوه فرمایند که در هر مورد که بعضی عوارض مورد اشکال شد وزارت داخله حق داشته باشد آن را الغاء کند مثلاً اگر دید که بکتیرا مالیات بسته اند و این مسئله ممکن است از اقتصادیات مملکت بکاهد وزارت داخله حق الغاء آنرا داشته باشد یعنی بهیئت وزراء پیشنهاد کند که آن را لغو کنند و بنده عقیده ندارم که اینقدر ما بترسوم و الا با اینصورت بنده قطع دارم که هیچوقت شهرها آباد نمیشود و بلدیه های ما مورد استفاده عمومی واقع نمیشوند.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این بود که آقای روحی که تشریف بردند ببران و بعد رفتند بکرمان آن صورتی که در برلن دیده بودند بادشان رفته است بعد معلوم شد که خیر آن صورت جالب توجه در نظرشان مانده و این بدبختی اهالی کرمان و تمام ایران در نظرشان نیست و الا کاملاً با ما موافقت میکردند که دیگر نیم دینار هم اجازه ندهیم به خودمان که مالیات وضع کنیم....

روحی - چرا؟ پس به چه وسیله شهرها آباد بشود؟..

کاررونی - بوسیله کشتن مردم

آقا سید یعقوب -- حالا می فرمائید کرمان بعد از چندین سال نازکی متمول شده است؟ والله نشده است و بنده عرض میکنم که در این جا ماده ۲۹ را که آقای مدرس جزء نایش را آمدند (و خدای نخواستہ کانه می رسم که مایل باشند آن را قبول کنند) و در اطرافش صحبت کردند بنده هم در جزء اولش عرض می کنم و هم در جزء نایش ما دیگر نمی توانیم چیزی نحمیل کنیم و باین وسیله وضع مالیات کنیم. مالیات سرانه و اصناف را که مجلس شورای ملی الغاء

کرد و از مجلس گذشت هنوز وزارتنامه عملی نکرده است و در همه جا میگیرند بنده هم سؤال از وزارتنامه و از رئیس الوزراء کردم (چون نمی خواهم قبل از دستور صحبت کنم) نیامدند جواب بدهند و استیضاح هم که آدم خجالت می کشد هر روز هر روز هی استیضاح کند آن قانونی را که ما از مجلس گذرانیم که سرانه و اصناف را بگیرند عملی نکردند و دارند می گیرند الان در فارس در مسقط الرأس خودم اردکان فارس کاغذ دارم که هم مالیات سرانه و هم مالیات صنفی را میگیرند آخر چکار کنیم و دست کرا بگیریم؟...

کی استوان - استیضاح کنید آقای استیضاح.

آقا سید یعقوب - همینطور نمایندگان جا های دیگر از این قبیل شکایات دارند و این مالیات را میگیرند و هیچ جا هم نمیرسد پس بدانید که هنوز دوره ششم با آنکه میل داشت خدمتی باهالی بکند قانون تصویب کرد هنوز آن را عملی نکرده اند و باز میگیرند این جا هم بمجردی که اجازه داده اند انجمن بلدی حق وضع عوارض داشته باشند فوری عملی میشود و مأمورین خواهند رفت بجای صدی پنچ صدی ده از آن رعیت بد بخت بگیرند و تا وارد صندوق بلدیه بشود تمام خواهد شد پس بیائید حال اهالی را ملاحظه کنید چنانچه آن روز به آقای شیروانی عرض کردم ما نباید خیلی تند برویم و احتیاجات مردم را باید در نظر بگیریم آنوقت بگوئیم که مملکت ایران باید پاریس و برلن بشود. شهر طهران با این وضع و حال مردم بیک ساله و صد ساله و هزار ساله هم پاریس و برلن نمیشود پس خرده خرده باید قدم برداشت و بجائی رسید نه بیک مرتبه و الا اگر فوراً بخواهیم هر چیزی را که مردم در دست دارند از شان بگیریم و برنیم نوبی خیابانها که این جا پاریس و برلن نمیشود و باید قدم بقدم جلو رفت نه اینطور ملاحظه بفرمائید این جا در ماده نوشته است که: تا پنج در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی خوب توجه بفرمائید من تعجب

می کنم که کمیسیون داخله چطور اینرا در نظر گرفته است و بجه جرائی و نهوری آمده است این را پیشنهاد کرده است که تا پنج در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد می شود؟! که اگر يك بار خار مردم که بیاورد وارد شهر کند باز گرفتار مأمورین بلديه بشود، هر چیزی که بخواهند وارد شهر کنند دم دروازه گرفتار همان بلاهای ناگهانی بشوند که از ولایات فریاد زده شد و در مجلس اقدر گفته شد تا آن مالیات را برداشتنند حالا دو مرتبه ما میخواهیم مردم را گرفتار آن مالیات ها بکنیم در دوره استبداد هر روزی که دولت فکر میکرد يك فشاری مردم بیاورد نان را گران میکرد ما هم حالا نان را که گران کرده ایم و بانبار اجازه این کار را داده ایم حالا هم بیائیم اجازه بدهیم که پنج در صد به آب و نان مردم تحمیل کنند چطور میشود که تحمیل تمام احتیاجات این مردم بشود؟! مگر اینکه بگوئیم لشکر چنگیز آمده است و بجان مردم افتاده است پس بنده اساماعقیده ام این است که خود اعضاء کمیسیون هم با آن عواطفی که نسبت به مردم دارند دیگر صحبت از این موضوع نکنند و راضی نشوند که دیگر مالیاتی به این مردم تحمیل شود نهایت برای خاطر اینکه بگویم بنده هم داخل در خدمت ملی هستم پیشنهاد میکنم که صدی دو بر اشیاء تجملی کمیسیون پیشنهاد کند که در ارزاق عمومی مداخلت ندارد و محتاج الیه نیست که اگر توانستند انجمن های بلدی این صدی دو را پیش بینی کنند و توسط وزارت داخله به مجلس پیشنهاد کنند که مجلس تصویب نماید و الا این قسمت بکلی از بین برود. آمدم سر قسمت دوم که نوشته است: تا پنج در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیة محل. بنده بکلی از دو جهت با این قسمت مخالفم اولاً بنده جدا مخالفم که مالیه در امور عوائد بلديه دخالت

کند. آقا بگذارید مالیه برای خودش کار کند او خودش کار های زیادی دارد که باید متوجه عوائد مملکتی باشد، عوائد شهری و وزارتخانه مخصوص و معین دارد این را دیگر در این جا نیندازید کشمکش تولید نکنید. ثانیاً اینکه بنده مخالفم برای اینکه این پنج در صد فروع اضافی که بر مالیاتهای مستقیم می بندند چطور می شود؟ برای اینکه مالیات مستقیم اصلاً سخت وصول می شود مأمورین مالیه را بخواهید سؤال کنید که مالیاتهای مستقیمی که در ادوار گذشته بر این ملت تحمیل شده چطور وصول می شود چرا؟ برای اینکه مردم دیگر طاقت ندارند مالیات بدهند نه نقدی و نه جنسی شما میخواهید يك عوائد شهری معین کنید که ابد وجود خارجی ندارد مالیات غیر مستقیم را نمیتوانند وصول کنند چه رسد به مالیات مستقیم مادر کمیسیون بودجه هستیم می بینیم سوخت هائی که مالیات مستقیم از نقدی و جنسی دارد چه حکایتی است آن وقت بیائیم بر يك چیز معدومی يك اضافه معدومی وضع کنیم! این شوخی است بنده در این خصوص يك پیشنهادی کرده ام که راجع بآن پیشنهاد هم يك لایحه دولت آورده است که عواید مستغلات شهری طهران مخصوص بلديه باشد در دوره سوم هم يك قانونی راجع به عوائد مستغلات از مجلس گذشت و گمان میکنم اگر همین يك قلم را تخصیص بدهید به بلديه ها کافی باشد دیگر جان مردم را نگیریم. بنده این پیشنهاد را کرده ام که جزء اول از بین برود تا این هم تخصیص بلا مخصص نشود در طهران این جور باشد در ولایات جور دیگر باشد، باید در تمام جاها مالیات مستغلات جزء بلديه باشد و وزارت مالیه مأمور باشد که این قلم را از دفتر خودش مجزا کند و جزء بلديه نماید این بود نظر من و پیشنهاد هم میدهم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- مخالفم

نباشد بالطبع مالیات وضع نمیکند و نکته که در کار هست این است که انجمن بلديه را آقایان مأمورین مالیه فرض میکنند و خیال میکنند چون مأمورین مالیه اسباب زحمت مردم را فراهم می آورند ما اجازه ندهیم که اسباب زحمت مردم بشوند. اولاً ما اجبار نمیکنیم که حتماً این مالیات را بدهند ما اجازه میدهیم به انجمن بلدی که يك مالیاتی وضع کنند و بعلاوه آنکسی که مینشیند و مالیات وضع میکند عبارت از خود اهالی شهر هستند و کلاهی خود مردمند، مأمور دولت نیستند. اهالی شهری اگر خواستند برای خودشان يك مالیات وضع کنند ما دیگر نباید اجتهاد در مقابل نص بکنیم و بگوئیم شما نباید مالیات و عوارض برای خودتان وضع کنید، این چیز غریبی است!! و خیلی چیز مضحکی است فقط يك قسمت صحیحی در بیانات آقایان مخالفین بود و آن قسمتی بود که آقای مدرس بیان کردند که نباید وضع مالیات بر ما کولات و حوائج ضروری مردم کرد و بجای آن باید سعی کرد که يك عوارض دیگری بدست انجمن های بلديه داد که وضع نمایند بهترین آنها مالیات بر اشیاء تجملی و لوکس است که باید دست انجمن های بلدی را باز گذارد که اگر محتاج شدند آن مالیات را وضع کنند و باز باید این مسئله را تکرار کرد که حتی الامکان باید انجمن های بلديه را کاملاً مستقل کرد اگر شما يك انجمن بلدی تشکیل بدهید ولی استقلال نداشته باشد دو تا پول سیاه ارزش ندارد. این مسئله محرز شده است که هر قدر بتوانید بلديه را مستقل بکنید و مسئولیت را بگردن آن بیندازید که مسائلی که مربوط به آنست که رسیدگی کند بهتر است و الا شما اگر بلديه را تشکیل دادید ولی استقلال آنرا در تحت هزار لافه قرار دادید این انجمن بلدی کار نمیتواند بکند و از عهده انجام وظیفه بر نمی آید. يك قسمت از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب این بود که چرا ما از مردم پول بگیریم و صرف ساختن خیابان ها بکنیم این پولی را

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- مخالفم.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- مخالفم.

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- این را بنده غالباً امتحان کرده ام که مباحثات در ایران حل نمیشود علتش هم این است که آن دو طرف مباحثه هر کدام يك قسمت صحیحی دارند میگویند ولی قسمت غلطشان را هم نگاه میدارند بعد هر چه این به آن دیگری میگوید این قسمت صحیح است تصدیق میکند ولی متقاعد نمیشود. مثلاً بیاناتی که آقای آقا سید یعقوب و آقای بامداد فرمودند يك چیزی بوده است که مکرر جواب داده شده است معذک متقاعد نمیشوند، میگویند ما نباید وضع مالیات کنیم ده مرتبه این جا گفته شده است که ما وضع مالیات نمیکنیم ما اجازه میدهیم که اگر و کلاهی بلديه هر شهری استطاعت اهالی را دیدند و اهالی هم مایل بودند که مالیات وضع شود و شهرشان آباد شود وضع کنند، اینکه وضع مالیات نیست اینرا ما مکرر در مجلس گفته ایم معذک آقای آقا سید یعقوب و آقای بامداد متقاعد نشدند. باز عرض میکنم که ما وضع مالیات نمیکنیم ما اجازه میدهیم به انجمن بلدی که اگر در اهالی استطاعت دید مالیات و عوارض وضع کند. آقای آقا سید یعقوب چرا مخالفند که مالیات وضع شود برای اینکه مردم را در ادای مالیات و حقوق مستطیع نمیدانند و وکیل مردم هستند و نمیخواهند بر مردم تحمیل شود انجمن بلدی هم همین حکم را دارد یعنی و کلاهی يك شهری بالطبع نمی آید بر اهالی يك شهری تحمیل يك مالیاتی بکنند که مردم استطاعت نداشته باشند آن مالیات را بدهند. اهالی يك شهری و کلاهی انتخاب میکنند این و کلا افکار و وضعیت عمومی شهر را تحت نظر میگیرند و مطابق آن رأی میدهند. اگر افکار يك شهری مثل بوشهر موافق با وضع مالیات

که انجمن های بلدیہ اگر بنا باشد بگیرند صرف ضروریات خود اهالی شهر میکنند مصارف بلدیہ فقط ساختن خیابان ها نیست شاید يك قسمتش برای صحیہ شهر باشد شاید برای تمظیف و روشنائی شهر بخواهد پول بگیرد آیا ما مخالفیم برای اینکه اهالی يك شهری می خواهند پول بدهند که شهرشان و کوچه هایشان روشن باشد؟ و این قسمت را هم باید اضافه کرد که فرمودند مالیه اسباب زحمت مردم خواهد شد مالیه امروزيك مالیات مستقیمی میگیرند اگر بگویند ده و نیم هم اضافه بگیر این از کجا اسباب زحمت مردم میشود اگر اسباب زحمت مردم است صد درصد اسباب زحمت مردم است باضرفه کردن صد پنج چطور بیشتر اسباب زحمت مردم میشود؟ و رو به مرقرقه بنده تصور میکنم که باید بلدیہ ها اختیار داد که عوارض وضع کنند منتہی در کیفیت عوارض می توانید پیشنهاد کنید که يك سنخ عوارضی رود و يك سنخ دیگر جایش بیاید و همانطور که آقای مدرس فرمودند قسمت اول این ماده ۲۹ يك عوارضی دارد که اسباب زحمت و اشکال برای مردم فراهم خواهد کرد ولی بجای این بایستی يك عوارض دیگری را اجازه داد که بتواند از اشیاء تجملی یا خانہ های وسیع یا چیزهای دیگر بگیرد و شهر را آباد کند و بالاخره ما این نظر را نباید فراموش کنیم که وکلای انجمن های بلدی مأمورین دولت نیستند وکلای بلدیہ وکیل مردم هستند و میتوانند برای شهر عوارض وضع کنند و صرف خود اهالی کنند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم. موافقت و مخالفت در يك چنین موضوعی شاید بکلی از نقطه نظر نفی صرف یا اثبات صرف نباشد و اگر مخالفت را نفی صرف آقایان تصور کنند بنده مخالف نیستم ولی اگر بخواهیم در نتیجه يك مذاکرانی بهترین طریقی را پیدا کنیم که ایجاد يك عوارضی برای تعمیر و تسویر و تمظیف شهرها بکنیم روی این قسمت بالاخره بحث میکنیم. اربلا يك نکته را

دو گیان است در سال گذشته صد و بدست و شش هزار تومان عایدی داشته يك نفر بین النهرینی که يك مغازه در این جا با روزی سه قران اجاره کرده و يك میز در آنجا گذارده و اسمش را گذارده است نماینده فلان گیانی آمریکا شورات با بوئیک با سایر اتومبیل ها یکی از آنها را بنده مطلع هستم که ۱۲۶ هزار تومان سال گذشته عایدی داشته است شما به بینید چقدر اتومبیل در این مملکت باید فروخته باشد که ۱۲۶ هزار تومان عایدی شخصی خودش بوده است ما البته نمیتوانیم بگوئیم که اتومبیل در این مملکت نباید ما در این حالی که اتومبیل لازم داریم باید طرق فساد فروش اتومبیل را هم در این مملکت مسدود کنیم همانطور که هر روز در جراید خارجه میخوانیم که در فرانسه یا آلمان یا آمریکا يك مالیات کمرشکنی روی بکفقره مال التجاره مایعنی قلی بعنوان اشیاء تجملی گذارده اند که ما نتوانیم آن مال التجاره را صادر کنیم ما هم حق داریم که روی مال التجاره های آنها که مملکت را بیاد می دهد از این مالیات های سنگین بگذاریم و این کار حق مشروع ما است یعنی يك معامله متقابلہ بیشتر نیست همینطور بسایر اشیاء تجملی اشیاء خرازی اسباب بازی شیرینی گوشتهای پخته و نا پخته که در این مملکت نوی قوطی میاورند و بخورد ما میدهند و انواع چیز هائی که فروشش در این مملکت مضر است و پول ما را می برد يك مالیات برای بلدیہ های خودمان وضع کنیم یا نوشتن يك جمله کلی در این که دم دروازه از هر ما کول و مشروب مالیات گرفته شود بنده یقین دارم که مأمورین ما سوء استفاده خواهند کرد و این قبیل اشیاء که بنده عرض کردم که باید از آنها مالیات گرفته شود معاف می شود و ارزاق يك مشت مردم بد بخت باز دم دروازه بدست مأمورین می افتد!! با اینکه هنوز هم نظر ما در الغاء آن مالیات ها این بود که دم دروازه ها توی بیابان ها مأمور دولت با يك هیولای عجیب با فلان رعیت رو برو نشود و هنوز

باقی است وضع يك چنین مالیات ها معنی ندارد شما ملاحظه فرمائید یکی از کارهای لغوی که در این مملکت باقی مانده و شاید فراموش شده است ترك شود این است که يك وقتی سیاست مملکت انجباب میکرده است که هر کسی که از یکی از دروازه های شهر بیرون میرفته با وارد میشده است شناخته شود ممکن است سیاست مملکت بکروزی از نقطه نظر خارجی اقتضا کند که ما به بینیم که از فلان سرحد ما چه اشخاصی وارد میشوند چند نفر میروند و چند نفر می آیند این مسئله توسعه پیدا کرده است که حالا هر کس میخواهد تا دهنوند برود جلویش را میگیرند. بنده خودم میخواستم تا دهنوند بروم دم دروازه که رسیدیم يك پلیس آمد که کجا میخواهید بروید؟ سمتان چیست؟ اسم فامیلتان چیست شغلتن چیست؟ و مسافر هم که از دو طرف میرسد و بالاخره این کار سبب می شد که یکساعت دم دروازه هر مسافری معطل شود. بنده يك اعتراضی میکنم یعنی يك اعتراف به تقصیر که آقایان بدانند این جور کارها نتیجه ندارد. وقتی که ما میرفتیم گیلان تا قزوین هر جا که جلوی ما را گرفتند راستش را گفتیم ولی در قزوین پنج نفر مسافر که توی اتومبیل بودیم هر کدام از ماها اسم خودمان اسم پدرمان شغلمان همه را عوضی گفتیم. آن پلیس هم نوشت و ما هم رفتیم. بنده میخواهم بدانم نتیجه این کار چه چیز است؟ و غیر از اینکه يك زحمت و ضرارتی مردم وارد شود چه نتیجه دارد؟ یکی دیگر مسئله تقشیر است که متصل در بیابانها بعمل می آید از کهرتک تا طهران شش نقطه جلوی اتومبیل بنده را بعنوان تقشیر گرفتند. آخر این که زندگانی نمیشود بالاخره باید با يك طرز آزاد رفت و آمد و زندگانی کنیم. خلاصه از موضوع يك قدری دور شدیم. عرض میکنم این مالیات را ما برای این لغو کردیم که اسباب زحمت مردم نشود دادن صد دینار وجه برای يك من عدس آفتد مردم صدمه نمیزند تا اینکه يك زارع را يك ساعت دم دروازه

معطل کنند که صد دینار از او بگیرند. حالا جزء اول این ماده آن قضایا را تجدید میکند پس ما باید يك مالیاتهای دیگری از قبیل مالیات بر اشیاء نجومی پیشنهاد کنیم که وضع شود. بنده يك چیز هائی که یادم بوده است یادداشت کرده ام از انواع عطریات و اسباب توالت، تومبیل های سواری که هشتصد تومان بیشتر ارزش دارد، انواع پارچه های ابریشمی و یشمی که قیمت اعلا دارد. انواع اشیاء خرازی انواع ظروف چینی و بلور آلات، بزین، انواع سیگار و سیگارت انواع شیرینی و گوشت های پخته و ناپخته، انواع اسباب بازی، اینها در نظر بنده بوده است که صدی سی از عایدات فروش این قبیل چیزها برای بلدیه شهرها از اشخاص گرفته شود و شاید در هر شهری این مالیات تماس با زندگی بیست باسی نفر بیشتر نکند که هم جلوی يك نوع واردات کمرشکنی که این مملکت را گدا میکند گرفته ایم و يك عایدی هم برای مملکتان تهیه کرده ایم يك نوع دیگر هم مالیات بر اراضی شهری است که يك کسی که يك خانه پنج ذرعی دارد پنج تا دهشاهی بدهد و کسی که يك زمین دویست هزار ذرعی دارد دویست هزار دهشاهی بدهد این يك مالیات عادلانه است که به عموم به يك نسبت تحمیل میشود. يك موضوع دیگر را هم میخواهم عرض کنم که يك لایحه را که دولت فعلاً آورده است برای تخصیص مستغلات طهران به بلدیه این کار را در تمام شهرها عملی کنیم که مالیات مستغلات را به بلدیه ها بدهند که هم بلدیه کارش خوب شود و هم تحمیلات زیادی نمیشود این است که بنده مخالفم از نقطه نظر نئی صرف نبود و نظرم این بود که ماده اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده مخالفم.

دادگر - بنده هم مخالفم.

اشکالی باقی نمی ماند و این مسئله هم هیچ عیبی ندارد که اهالی يك خانه برای خود و برای توسعه زندگانی و تنظیم اداره خودشان فکری کرده باشند و يك مالیاتی را بدهند نهایت این جا افکاری که ادا می شود برای این است که مفید تر باشد اتفاقاً برای کمیسیون داخله طرز مذاکراتی که در مجلس شد بیشتر فکر ما را کمک میدهد که این مسئله ارجاع بکمیسیون شود و ما به بنیم چه کنیم که بلدیه ها بدون اینکه انتظار داشته باشند لوابحشان را تنظیم کنند و بیاورند مجلس یا سیرجان منتظر بماند تا مجلس شورای ملی اظهار عقیده نکند که عوارض آنجا چگونه وضع شود چون این مسئله نه تنها اظهار دندان شکنی نبود بلکه تعلیق بيك قضیه بود که اصلاً نمیشد و حالا که این مذاکرات شد گویا این فکر آقای آقا سید یعقوب بود که فرمودند مالیات مستغلات که منحصر آن طرف دولت داده شده است برای شهر طهران اینرا تعمیم بدهند که برای همه جا باشد همینطور مالیات نجومی که آقای شیروانی اظهار کردند و بالاخره بيك نظری هم آقای مدرس داشتند که بعقیده بنده از تمام نظریات منطقی تر است و آن این است که اراضی باید مالیات شهر را بدهند و این قسمت اداره اش آسان تر است تقسیمش سهل است و میشود يك پول معتدله هم پیدا کرد علی ای حال ما نرسد داریم اینهم که بنده استفاده کرده حرفهایم را بزنم بنده هم اثبات صرف نبودم نمیدانم چگونه شد آقایان این کلمه را فرمودند این را هم عرض کنم که بلدیه با این لوازم و اسباب که امروز دارد نمی تواند يك شهر آبرو مندی به شما بدهد. يك نظری هم این جا اظهار کردند که آن هم تردید شد برای این که ما تقسیم نقاطی که تقسیم کردند مالیات بلدی یعنی مالیات راه را که بلدیه ها سهم بدهند از بابت نواقل اینرا خوبست تقسیم به نسبت کنیم تا همه جا بطور تساوی از آن بهره مند شوند ما مطالعه کردیم دیدیم نمیشود برای اینکه يك مؤسسانه و يك تشکیلاتی در شهر هائی که

بیشتر عوائد داده شده است هست که بهم زدن آن تشکیلات و تاسیسات را تعطیل میکنند حالا چه عملی است که ما يك جایی که اساسی فراهم است بهم بزنیم چهار تا ناقص درست کنیم؟ خیر اینها را باقی میگذاریم تا بيك پولهائی پیدا کنیم و بيك فکر هائی بکنیم که همه جا بطور تساوی داشته باشد و در کمیسیون داخله هم باشد برای پیشنهاداتی که میشود رأی بقابل توجه بودن بگیریم. مخبر کمیسیون هم نظر نماید و قبول کند که بیاید به کمیسیون. تبانی هم بر این بود که قسمت عوارض و اینها برود ماده ۲۹ کمیسیون ولی ما منحصرآ میل داریم که تمام عقاید و صلاح اندیشی ها گفته شود که کمیسیون قادر باشد بيك تصمیم قاطعی بگیرد.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات پیشنهاد کرده اند که

ماده مراجعه شود بکمیسیون

شیروانی - بنده مخالفم

حاج شیخ بیات - بنده گمان میکنم اینکه غلبه آقایان رأی ندادند بکمیسیون برود برای این بود که نظریه آقایان معلوم شود که کمیسیون بتواند این ماده را تنظیم کند و حالا از قراری که مذاکره فرمودند اکثریت مجلس آنچه معلوم می شود مخالفند با این ماده و بنده خودم هم مخالفم ولی بقدر لزوم بعقیده بنده مذاکره شده است و نظریه آقایان را هم کمیسیون فهمیده. حالا بنده پیشنهاد می کنم که ماده با تمام پیشنهادات برود بکمیسیون و مجدداً تنظیم شود و بیاید مجلس

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده با بيك قسمت فرمایشات آقا موافقم

ولی عقیده درم پیشنهادها قرائت شود و عقاید اشخاص گفته شود بعد پیشنهادات برود بکمیسیون

آقا سید یعقوب - پس مذاکرات کافی است.

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات که

ماده بکمسیون ارجاع شود ...

دادگر - با پیشنهادات

حاج شیخ بیات - با پیشنهادات برود به کمیسیون
رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند

(جمعی گفتند کافی است)

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده بیست و نهم این نوع اصلاح شود

ماده ۲۹ - انجمن بلدی میتواند عوارضی در حدود صد دو بر اشیاء تجملی وضع و توسط وزارت داخله پیشنهاد مجلس شورای ملی کند .

آقا سید یعقوب - گمان میکنم بنده در این پیشنهاد خودم نظریات آقایان را که استقرار دارند بر ظاهر ماده قانون اساسی که باید مالیات و عوارض بتصدیق مجلس شورای ملی برسد جمع کرده ام از آنطرف نظری هم که وضع مالیات بر ارزاق عمومی و بر زندگان عامه هم نباشد این را هم در نظر گرفته و از آنطرف يك نظر اقتصادی و قناعتی را هم من با این نظریات جمع کرده ام که ملت خودمان را دعوت کنیم بقناعت و وضع يك قوانین بکنیم که آزاد باشند در خرید و فروش و پیشنهاد کرده ام که به اشیاء تجملی مالیات وضع شود چون اشیاء تجملی در زندگان مدخلیت ندارند . جوراب ابریشم یا فلان کراوات و عطر در زندگانی جامعه مدخلیت ندارد يك کسی که میتواند این چیزها را بخرد این مقدار را هم میتواند برای شهرش بدهد و يك مالیات غیر عادلانه نیست . بنده در اینجا ملاحظه کردم کسی که هفت تومان جوراب میخرد میتواند چهار قران هم از برای توسعه بلدی و نظافت شهرش بدهد و این را بنظر دیگری (که خودم متوجه هستم که ظاهر قانون اساسی را بقدری که بتوانیم حفظ کنیم و وضع مالیات و عوارض مجلس شورای ملی بیاید) پیشنهاد کردم انجمن بلدی پیشنهاد کند و توسط وزارت داخله بیاید مجلس هم مساماً

موافقت میکند و رأی میدهد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم اولاً بنده يك تجربه تلخی دارم و آن این است که آمدم در باب اشیاء تجملی حرف زنیم يك صدائی در جامعه تولید کرد و آن کاند ها و دستور العملهای زیاد بفرنگستان داده شد و اشیاء تجملی هم ممنوع نشد و زبان مضاعفی بتجسس و کدبه و مردم وارد کردیم و خیلی بنده نگرانم از اینکه صحبت اشیاء تجملی کنم ولی علی ای حال چون نظر خوبی است و قسمت مبتلا به عامه و مردم است دونا نظر دارم یکی این است که اولاً مبالغش کم است ثانیاً نسبت بخود بلدیة آنقدر نگران نباشید وقتی مجلس شورای ملی مجاز کند يك مؤسسه را در وضع يك عوایدی و حد اقل و اکثرش را هم معین کند آن مؤسسه مأذوناً دخالت کرده و این عیب ندارد شما هم کمیسیون که معین میکنید روی همین اصل است . بعلاوه از مقام ریاست استدعا میکنم (چون ما محتاج بتوضیح نیستیم و خود آقایان را هم بکمسیون دعوت میکنیم) پیشنهادها را مقرر بفرمایند قرائت شود آقای مخبر هم برای اینکه تقاضای بنده مشروع باشد تقاضا خواهند کرد احاله شود بکمسیون .

رئیس - بنده این حق را ندارم آقای مخبر این حق را دارند

مخبر - بنده هم تقاضا میکنم پیشنهادات خوانده شود بعد با ماده برود بکمسیون .

(پیشنهادات واصله مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای باستانی

ماده ۲۹ را بنحو ذیل اصلاح کرده . پیشنهاد میکنم انجمنهای بلدیة مجازند با ملاحظه مقتضیات محل عوارضی را برای اصلاحات حوزه خود وضع نمایند

پیشنهاد آقای عمادی

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۹ در فقره اول نوشته شود که دو در صد در غیر ارزاق از قیمت اصلی

تا آخر باسننای ما کولات

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا :

در ماده ۲۹ اصلاح ذیل را پیشنهاد میکنم

۱ - تا دو در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود و در همان حوزه بمصرف میرسد از قبیل اشیاء تجملی و مصالح ساختمانی و وسایط نقلیه که در داخل شهر هستند باسننای سیزججات و فوا که وسوخت نانوائی و حمام

۲ - تا دو در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم حوزه بلدی و وصول آن بوسیله مالیه محل بدون خرج برای بلدیة محل .

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم جزء نانی ماده ۲۹ این نوع اصلاح شود انجمن بلدی مجاز است کلیه مالیات مستغلات را که بتوسط قانون علیحده وضع شده است تخصیص ببلدیة دهد و مأمورین بلدیة مکلف وصول آن مالیات خواهند بود تبصره - وزارت مالیه مکلف است صورت کلیه مالیات

مستغلات را از دفتر مالیه حذف کند

پیشنهاد آقای حقنویس :

فقره اولی از ماده ۲۹ را بطرز ذیل پیشنهاد میکنم
۱ - تا صد و نسیبت باجنس خارجی که برای مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود و در همان حوزه بمصرف میرسد

پیشنهاد آقای تقی زاده

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای کازرون

پیشنهاد میکنم قسمت اول از ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای بامداد :

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ حذف و فعلاً مالیات مستغلات

شهری ببلدیة ها اختصاص داده شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۲۹ بترتیب ذیل

اصلاح شود .

۱ - از اشیاء وارده باسننای ما کولات و سوخت

هر باری بکقران

پیشنهاد آقای محمود رضا

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ بجای فقره ۱ نوشته شود - انجمن بلدی حق دارد از قیمت اراضی شهری صدو در سال وصول نماید

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای شیروانی

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۲۹ - انجمنهای بلدی با اکثریت دو ثلث می

تواند منابع عایدی ذیل را بعنوان عوارض بلدی برای

مخارج بلدی برقرار نماید

۱ - صدی سی از عایدات فروش اشیاء تجملی ذیل

مطابق صورت ضمیمه

۲ - صدی يك از قیمت اراضی شهری در سال

۳ - تا پنج در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم

حوزه بلدی که از بیست تومان زیاد تر بوده باشد

۴ - عوائد مستغلات .

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم مخارج لازمه هر شهر فقط از اراضی

دائر و بانثر محوطه شهر گرفته شود که فعلاً محل انتفاع با

قابل انتفاع است و مالیات مستغلات که فعلاً گرفته

میشود بکلی لغو شود

مدرس - میخواهید توضیح بدهم

آقا سید یعقوب - کسی توضیح نداده است

رئیس - ماده سی ام .

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۳۰ - کلیه معاملاتی که بلدیة میکند باید بر

طبق اصول مزایده و مناقصه بعمل آید .

رئیس -- آقای وزیر داخله

آقا سید یعقوب -- بنده این ماده را ...

رئیس -- اجازه داده نشده .

آقا سید یعقوب -- بنده را فرمودید ؟

رئیس -- آقای وزیر داخله را عرض کردم

وزیر داخله -- بنده اجازه میخواهم آقای میرزا عنایت الله خان

سمعی را معاونت وزارت داخله معرفی کنم .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اینجا از دو جهت اشتباه شد یکی

اینکه آقای وزیر داخله اجازه نخواستند بلند شدند .

وزیر داخله -- بنده اجازه خواسته بودم .

آقا سید یعقوب -- اما عرض میکنم در قانون دیوان

محاسبات معین است که اموال دولت باید بمناقصه و مزایده

باشد چون اموال عمومی است و در اینجا خواستم عرض

کنم که اموال بلدییه هم در تحت آن قانون هست و محتاج

بیک ماده علیحده نیست نه اینکه مخالف باشم . در قانون

عمومی مملکت هست و اصل این است که کلیه معاملات

باید بمناقصه و مزایده باشد در اینجا ذکر کردن دیگر

لازم نیست .

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنظر بنده در قانون محاسبات حکمی

که راجع بمزایده و مناقصه است راجع بمعاملات مؤسسات

دولتی است و بر فرض که ما بتوانیم آنرا شامل این

مورد هم قرار دهیم احتیاط در این موضوع اشکالی ندارد

و مبنی بر مصلحت مؤسسات ملی است .

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

رئیس -- کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده سی ام

فیروز آبادی -- بنده یک پیشنهادی دارم

آقا سید یعقوب -- اعلام رأی فرمودند .

(پیشنهاد آقای فیروز آبادی بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده سی ام بطریق ذیل

اصلاح شود

کلیه معاملات که بلدییه میکنند و زیاده از پنجاه تومان

بوده باشد بطریق اصول مزایده و مناقصه بعمل آید .

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- اینجا نوشته کلیه معاملات که بلدییه

میخواهد بکند حتی فرضاً میخواهد صد دینار جارویی

بخرد این را باید روی اصول مزایده و مناقصه بگذارد

آیا یک معامله یک قرانی ، دو قرانی ، پنجقرانی را

باید صد تومان ، هزار تومان پول اعلانش را بدهد

و مثل اعلان خط آهن باشد ؟ پس باید محدود کرد

و بیک اندازه که لااقل معاملات که زیاده از پنجاه تومان

یا ده تومان باشد آنها را بمزایده یا مناقصه بگذارند و

الا معامله یک قرانی و دو قرانی که بمناقصه نمیشود .

مخبر -- بنده از طرف کمیسیون میزان ده تومان را

قبول میکنم .

فیروز آبادی -- بسیار خوب ده تومان باشد

رئیس -- پیشنهاد آقای شیروانی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میشود جمله ذیل ضمیمه ماده سی ام بشود

بلدییه ها حق العاء معاملات که بر طبق مناقصه یا

مزایده بعمل آمده است ندارند

شیروانی -- عرض کنم اغلب آقایان اعلانات مناقصه

بامزایده را که هرروز از طرف دولت داده میشود ملاحظه

فرموده اند یک شرایطی در ضمن اعلان مناقصه بامزایده قید

میکند فلان وزارتخانه که باید کسانی که پیشنهاد مزایده

یا مناقصه میدهند صد تومان ودیعه بدهند ، فلان شرط

را قبول کنند ، مدت این است ، ترتیب این است .

تمام اینها را مینویسند آنوقت در آخر مینویسند دولت

آزاد خواهد بود که این پیشنهادات قبول یابد کند یا

یکی از این مواد را هم بزند خوب این چه نتیجه دارد

بعد از تحقیقات معلوم شد برای این است که بالاخره آن

شخص معهودی را که قرار گذاشته اند با او فلان معامله

را بکنند همه را رد کنند و او را بگیرند و بموجب آن ماده

آخری هم این حق را دارند . نتیجه این شده که یک عده

پنجاه نفری صد نفری وقت صرف کرده اند . پیشنهاد

داده اند ، پولشان را ودیعه گذاشته اند ، رفت و آمد

کرده اند ، زحمت کشیده اند و آن معامله که اداره

میخواسته است با آن شخص معهود بکند بعمل آمده

است این ترتیب لغو است و مناقصه و مزایده نیست ،

این است که بنده قید کردم این جا که وقتی معامله

بر طبق مناقصه یا مزایده بعمل دیگر بلدییه حق لغائش

را نداشته باشد

مخبر -- در حقیقت این راهی را که دولت برای خودش

باز گذاشته است برای ملاحظه صرفه و منافع خودش است

در بعضی موارد اتفاق افتاده که یک جنسی را بلدییه

خواسته بفروشد و قیمت کرده بعد که بطریق مزایده

خواسته اند عمل کنند از آن قیمتی که بدون اعلان

مزایده میخواسته اند بخرند بعد از استخراج صورتهای

مزایده کمتر بوده در اینصورت اگر مکلف باشد بطریق مزایده

بفروشد این نقض غرض است برای دولت و فایده

ندارد .

رئیس -- آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می

دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- قابل توجه شد . ماده میرود بکمیسیون

بعضی از نمایندگان -- تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از

نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده سی و یکم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۱ -- جلسات انجمن با حضور دو نلک از اعضاء

رسمیت حاصل نموده و با حضور سه ربع از اعضاء حاضره
اخذ رأی میشود جلسات و آراء انجمن علنی است و
اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف
حاضر رأی بدهند و رأی مخفی در صورتی گرفته
خواهد شد که لا اقل دو نفر از حاضران تقاضا نمایند
کلیه اشخاص مخفی و با اکثریت نام خواهد بود و هرگاه
در دو نوبت اکثریت نام حاصل نشود در نوبت سوم
اکثریت نسبی قاطع است و اگر عده آراء در مورد
چند فرم مسووی شد بکنفر از آنها بحکم قرعه معین خواهد شد
برای استخراج آراء دو یا سه نفر از اعضاء بحکم قرعه
معین میشوند و پس از اتمام عمل نتیجه را رئیس اعلام
می نماید

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- موافقم

رئیس -- آقای بیات

مرآضی قلیخان بیات -- در این ماده حد نصاب را
مطابق مجلس در نظر گرفته است یعنی دو نلک برای رسمیت
و سه ربع برای رأی در صورتیکه اولاً یک نظری در این ماده بود
بنظر بنده این ماده که نهشته شده آن اثر را از آن نظر بر میدارد
بواسطه اینکه هر دو سال یک نلک از اعضاء باید خارج
شوند و تجدید انتخاب شود پس در واقع این در موقعی
ممکن است که یک نلک از اعضاء خارج نشده اند و نظر هم
این بود که انجمن هیچوقت منحل نشود و همیشه باشد
و انتخاباتی که میشود تأثیری در انحلال انجمن نداشته
باشد و با این ترتیب که ما در نظر گرفتیم که دو نلک
برای رسمیت جلسه باشد و سه ربع برای رأی در موقعی
که میخواهند تجدید انتخاب کنند که یک نلک نشد تجدید
میشود در آن موقع اصلاً انجمن از رسمیت میافتد از
طرف دیگر اگر دقت بفرمائید در خود مجلس ما همیشه
دچار زحمت و اشکالات هستیم برای حضور و رأی دادن
و در کمیسیون های مجلس هم اگر آقایان دقت فرموده
باشند هیچوقت دو نلک و سه ربع حاضر نمیشوند و اگر

این قسمت نصف نبود بعقیده بنده اغلب کمیسیون ها تشکیل نمیشد خود مجلس هم با اینکه می بینیم مجلس است و رسمیت دارد اغلب در موقع رأی باید منتظر شویم تا دوسه نفر بیایند یا اینکه دو ساعت معطل شویم تا جلسه رسمیت پیدا کند از این نقطه نظر بنده دو ثلث و سه ربع را زیاد میدانم و معتقدم که این دو ثلث و سه ربع را اولاً از اعضای حاضر قرار بدهند و این نظر همیشه محفوظ باشد که آن يك ثلث وقتی که از بین میرود و تجدید انتخاب میشود از بقیه باشد آنوقت نسبت به بقیه قائل هستیم که نصف و دو ثلث قائل شویم که با حضور نصف جلسه رسمیت پیدا کند و با حضور دو ثلث رأی گرفته شود که در واقع يك اندازه تخفیف داده میشود و الا اگر آن قسمت دو ثلث و سه ربع را بخواهیم بگیریم بعقیده بنده اغلب رسمیت پیدا نمیکند و اوقات آن عده دیگر هم تلف میشود و بی نتیجه خواهد ماند در همین زمینه هم پیشنهادی عرض کرده ام و تقدیم میکنم

مخبر - این نظریه نماینده محترم صحیح و وارد است ممکن است در موقع پیشنهادشان را بفرمایند بنده هم قبول کنم

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایید

روحی - يك قسمت از عرایض و نظریات بنده را آقای بیات فرمودند و بنده در آن قسمت با ایشان کاملاً موافقم ولی يك قسمت دیگر بکلی در اینجا غفلت شده است و آن غفلت متکی بکلمه (علنی) است که کمیسیون را قانع کرده است. ولی اینجا اسمی از مستمع آزاد و تماشاچی بنده نشنیدم و حال آنکه انجمن بلدی مال مردم است و مردم حق دارند بطور تماشاچی و مستمع آزاد در انجمن بلدی حاضر شوند و به بینند نمایندگان آنها چه میکنند. این ماده حق میدهد بانجمن که ممکن است در آن بروی خودش ببیند و هر کاری

ممکن است عده شش نفر باشد و بکنفر غایب و پنج حاضر آنوقت اصفش چه صورت پیدا میکند بنده نظرم نصف بعلاوه يك از عده ماخذ اعضاء انجمن بلدی است. رئیس - (خطاب با آقای مخبر) پیشنهاد را قبول کردید یا خیر؟

مخبر - بلی بهنصورت که عرض کردم.

رئیس - میباید رای بعد. پیشنهاد آقای کازرون (باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در سطر چهارم از ماده ۳۱ بجای دو نفر نوشته شود بکنفر

کازرون - بنده عقیده دارم که همیشه رای مخفی مرجع باشد و تجربه بمانشان داده که از يك طرف هو و جنجال از يك طرف ملاحظات اشخاص نسبت باشخاص مانع از این است که شخص آنچه را در قلبش است براسی و حقیقت ابراز کند. بنده هیچ مانعی نمی بینم که رأی مخفی در این مورد ولو از طرف بکنفر هم تقاضا شود داده شود یعنی اگر مسئله مهمی است و کسی هم تقاضائی ندارد خوب علنی باشد ولی اگر چنانچه در انتخابات و غیر انتخابات قائل شدیم که رای بایستی مخفی باشد اینجا هم اگر قائل میشدید که کلیه آراء بایستی مخفی باشد بنده موافقت میکردم لیکن اینجا برای اینکه تا اندازه تسهیل شده باشد پیشنهاد کرده ام بکنفر که تقاضا کرد بتوانند رأی مخفی بگیرند و رأی مخفی هم در واقع مثل رأی علنی است و هیچ مخالفتی هم با رای علنی ندارد و به نفع مملکت است.

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد تبصره الحاقیه

(اینطور خوانده شد)

تبصره - ورود تماشاچی و مستمع آزاد در کلیه جلسات

انجمن بلا مانع خواهد بود ولی تماشاچی ها حق مشارکت در مذاکرات را ندارند
رئیس - آقای روحی

روحی - آقایان متکی هستند به لفظ علنی ولی بنده چنانچه عرض کردم لفظ علنی مصرح این مطلب نیست ممکن است انجمن باز باشد و مذاکرات بکنند يك نفر هم از آن گوشه نگاه کند پس چه ضرری دارد که ما این را تصریح کنیم چنانچه در نظامنامه مجلس شورای ملی هم این قید شده است بنا بر این بهتر این است که این لفظ علنی را اسقاط کنید و این تبصره را آقای مخبر قبول کنند
مخبر - منوط برای مجلس است

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای روحی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(چند نفری بر جااستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای سید یعقوب (اینطور خوانده شد)

رئیس - پیشنهاد میکنم که ماده پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك پیشنهادی آقای بیات کردند که آقای مخبر هم قبول فرمودند که نظر بنده بر خلاف او بود برای اینکه قوانین مملکتی ما تا قانون اساسی بحال خودش باقی است باید در تحت قانون اساسی باشد مادره مقابل قانون اساسی نمیتوانیم چیزی قائل شویم حالا اگر در یک موقعی يك اصلاحی یا توضیحی در قانون اساسی قائل شدیم بنده بعنوان توضیح ماده قانون اساسی موافقم و الا در قانون بلدی ما يك پیشنهادی بر خلاف او قائل شدیم بنده مخالف هستم از این جهت پیشنهاد کردم همان ماده پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود ولی حالا که ماده میرود بکمیسیون پیشنهاد بنده هم میروم بکمیسیون تا در آنجا اصلاح شود

مخبر - قانون اساسی گویا مربوط به مجلس شورای

ملی باشد وبعلاوه در اینجا هر مؤسسه که تشکیل میشود لزومی ندارد که مقید باشد رعایت آن مواد را بکنند بعلاوه نظر آقای بیات بواسطه عملی شدن و تشکیل شدن و رسمیت پیدا کردن انجمن بلدی است و همینطور که توضیح دادند وقتی که يك نكث از اعضاء خارج شدند نامدتی که تجدید انتخاب شود اگر مقید شوند که سه ربع از اعضاء باشند ممکن است که صورت رسمیت پیدا نکنند و کارهایی را که عهده دارند فلج شود

رئیس الوزراء - میخواهم بعرض مجلس شورای ملی برسانم که قرار دادهای ما با همسایه شمالی در روز بعد از ظهر امضا شد و لواطی که باید تقدیم مجلس شود قریباً تقدیم میشود این هم دو لایحه است که تقدیم میشود یکی راجع به تخفیف مالیات نفت و بنزین و یکی هم راجع به حقوقی که از گشتی ها برای تعمیر بندرها بگریزند و تقاضا هم میشود که خیلی تعجیل شود که فوری باشد یعنی زود تر طبع و توزیع شود بلکه انشاء الله به روز سه شنبه رسد

رئیس - ماده ۳۲ قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده ۳۲ - مطالبی که در انجمن طرح میشود به پیشنهاد کتبی اداره بلدیة با تقاضای کتبی لا اقل سه نفر از وکلای بلدی و با موجب اظهار کتبی حاکم محل خواهد بود و مذاکرات انجمن بلدی محدود است بدستوریکه در جلسه قبل معین شده در صورتیکه نكث از اعضاء حاضر کتباً پیشنهاد و انجمن تصویب نماید بحث و مذاکره در موضوعات دیگر ممکن خواهد بود انجمن بلدی خلاصه تصمیمات هر جلسه را در حوزه بلدی اعلان و در آخر هر سال نتیجه جلدات و اقدامات خود را برای اطلاع عموم طبع و نشر خواهد نمود

رئیس - آقای کازرون

کازرون - اینجا برای مذاکرات يك قیدی را ذکر

و سجل احوال هستند احضار کنند و مسؤولیت مستقیم دوائر احصائیه و سجل احوال را به حکام واگذار کنند از حیث بودجه مطابق اطلاعی که بنده دارم هفتاد هزار تومان صرفه جوئی شده حالا اگر چنانچه ما در قسمت بلدیة هم همین کار را بکنیم بعقیده بنده يك صرفه جوئی خیلی خوبی شده است که از نقطه نظر امور بلدی حاکم همان حقوقش را بگیرد و کار بلدیة را هم انجام دهد بنده عقیده ام اینست که رئیس اداره بلدیة همان حاکم شهر باشد و دیگر رئیس بلدیة لازم نیست در سابق هم بنده این پیشنهاد را کرده که رئیس بلدیة عبارت از رئیس انجمن باشد و برای کارهای اداری بلدیة يك مدیر بیاورند این پیشنهاد بنده را در شور دوم کمیسیون داخله هم مورد توجه قرار داد ولی در این راپورت دیدم قید شده است که برای اداره بلدیة مدیری دولت معین کند بنده خیال میکنم از نقطه نظر صرفه جوئی اگر ما قائل شویم که کاریکه مدیر بلدیة میخواهد بکند بحاکم واگذار کنیم بهتر است بنا بر این عبارت با پیشنهاد حاکم را بنده در اینجا زائد میدام نوشته شده است به پیشنهاد اداره بلدیة یا سه نفر از وکلای بلدی یا حاکم بنده عقیده ام اینست که پیشنهاد حاکم را از اینجا حذف کنیم زیرا هم صرفه جوئی شده است و هم برای حکام يك کاری پیدا میشود و هم نظری که وزارت داخله در حسن انتخاب رئیس بلدیة خواهد داشت آن حسن انتخاب را برای حاکم منظور خواهد کرد

مخبر - بعضی از آقایان در نظر داشتند که حکام هیچ دخالتی در امور بلدیة نداشته باشند و این نظری را که نمایند محترم راجع به صرفه جوئی اظهار فرمودند ممکن است همه کارها را یک نفر بکند برای اینکه تقلیل در مخارج بشود بعلاوه حاکم يك وظایف مهمی دارد که مذهب و وظایف و تکالیفش معلوم نشده است اگر چنانچه وظایفی معلوم شود تکالیف حکام زیاد است

وبعلاوه انجمن بلدی در حقیقت حاکم بر اداره بلدیة است و يك وظایف و تکالیفی دارد که حکام چنانچه مسؤولیت اداره بلدیة را قبول کردند در حقیقت در تحت حکومت انجمن بلدی واقع میشوند آنوقت وظایفی که حکام دارند و وظایف انجمن بلدی اصطلاحاً پیدا می کنند به این لحاظ هر چه در این قسمت کمتر دخالت داشته باشند برای منافع عمومی بهتر است از طرف دیگر این موضوع هم در آن ماده که مربوط بتعیین مدیر بلدی است ممکن است مطرح مذاکره شود اگر اختلاف نظری هست در اینجا حل شود

وزیر داخله - از نقطه نظر صرفه جوئی پیشنهاد آقای یاسائی گمان میکنم صحیح باشد ولی از نقطه نظرهای دیگر تصور نمیکم این کار در همه جا عملی بشود چون حکام يك وظایفی دارند که خارج از حوزه بلدیة است و ناچار باید انجام بدهند حالا شاید خود وزارت داخله در بعضی جا این نظر را داشته باشد ولی عقیده بنده این است که این موضوع را بخود وزارت داخله واگذار کنند و اگر بخواهیم بطور کلی این موضوع را در قانون ذکر کنیم گمان میکنم عملی باشد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض می کنم این پیشنهاد آقای یاسائی از روی يك حسن نیتی بود و بنده تصور میکنم که اگر ما يك مقداری اختیارات حکام را کم کنیم خیلی بهتر است زیرا حکام اختیارات وسیعی دارند همین قضیه نظام اجباری و سجل احوال برای عملیات آنها کافی است و دیگر محتاج نیست که بلدیة را هم بآنها واگذار کنیم ما کاملاً مأمورین ولایات را میشناسیم ما میخواهیم يك بلدیة داشته باشیم که ملی باشد و مأمورین آن اشخاصی باشند که برای مردم کار کنند و بنده عقیده ام این است که يك مقداری از اختیارات حکام بکاهیم و به بلدیة بدهیم و صرفه جوئی هم جایش در این جا نیست

رئیس - آقای کازرون هم مخالفند؟

کازرون - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم
رئیس - موافقی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد میکنم عبارت
(به پیشنهاد کتبی اداره بلدییه) حذف شود
رئیس - آقای باسائی

باسائی - گویا برای بعضی از آقایان در اظهارات
بنده سوء تفاهمی حاصل شده بنده عرض کردم چون
غالب آقایان میگویند حکام در ولایات کاری ندارند بنا
بر این بایستی اصلاً دوائر حکومتی را منحل کرد عقیده
بنده این نیست که رئیس بلدییه لازم نیست عرض کردم
که رئیس بلدییه هر جائی هم حاکم باشد و هم رئیس بلدییه
مثلاً رئیس بلدییه طهران حاکم شهر طهران هم باشند این
چه اشکالی دارد و چه تماشایی با قانون اساسی یا سایر قوانین
دارد...

روحی - جایش اینجا نیست
باسائی - جایش هم همین جا است برای اینکه اگر
بنا باشد پیشنهاد بلدییه و حاکم نوشته شود معنیش این
است که اداره بلدییه يك رئیس علیحده دارد که میتواند
پیشنهاد بدهد حاکم هم میتواند بدهد و این موضوعی را
که بنده عرض کردم از این نقطه نظر است حالا هم اصراری
ندارم و اگر آقایان بگذرد بیشتر در این مسئله دقت
بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که اگر ما بخواهیم صرفه
جوئی کرده باشیم باید يك کاری کنیم که همان رؤسای
بلدییه شهرها حاکم آن شهر باشند

رئیس - آقای مخبر

مخبر - منوط به رأی مجلس است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را...

عراقی - یکمرتبه دیگر قرائت شود
(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می
دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر
(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۳۲ بترتیب
ذیل نوشته شود: لوایحی که در انجمن مطرح میشود
بر حسب پیشنهاد کتبی اداره بلدییه که بتصدیق حاکم
رسیده باشد و یا تقاضای کتبی ثلث اعضاء انجمن خواهد
بود

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - غرض از این ماده تعیین نوع لوایحی است
که باید مطرح شود در مجلس شورای ملی مطلبی که
مطرح میشود در قسمت است یا لایحه است یا طرح.
لایحه از طرف دولت پیشنهاد میشود طرح یا امضای عده
از نمایندگان پیشنهاد میشود انجمن بلدی هم در مقام
خودش همینطور است لوایحی را که اداره بلدییه تهیه می
کند حاکم باید آن ها را تصدیق کند بعد در انجمن
مطرح شود و در حقیقت حاکم مسئول در آن حوزه است
مثل يك وزیری که مسئول حوزه وزارت خانه خودش
است قسم دوم که بمنزله طرح است باید لااقل ثلث
اعضاء آن را امضا کنند و البته میزان ثلث هم بنسبت
اعضاء انجمن بلدی تغییر میکنند و بالاخره ممکن است
که این ثلث سه نفر هم برسد مثلاً جائی که اعضاء
انجمن بیست و یک نفر است سه نفر کافی نیست که يك لایحه
را امضا کنند بنا بر این اگر بخواهیم یکمده معینی را برای
همه جامعین کنیم میشود حالا اعم از اینکه در مواد بعد تصویب شود
که حاکم رئیس بلدییه باشد یا نباشد باید این قید را
بکنیم که لوایح اداره بلدییه را حاکم تصدیق کند.

فیروز آبادی - در اینجا يك مطلبی را استثناء کرده اند
که چون کلمه استثناء درش نیست مطلب روشن نمیشود
بنده کلمه مکرراً اضافه کردم که مطلب صریح شود و گمان
میکم بد نباشد

مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد دیگر

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود به پیشنهاد حاکم
محل که سمت ریاست اداره بلدییه را داراست باسائی
رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده عرض نکردم که بلدییه رئیس میخواهد
بلدییه رئیس میخواهد و رئیس او رئیس انجمن است
که از طرف ملت یعنی از طرف اهالی آن شهر انتخاب
میشود رئیس اداره بلدییه باید فهمید که غیر از رئیس
انجمن بلدییه است يك روزی هم همین مباحثه را کردیم که ما
رئیس اداره بلدییه را اسمش را بگذاریم مدیر بلدییه و این
همان کسی است که وزارت داخله به پیشنهاد انجمن بلدییه
از همان اهالی محل انتخاب میکنند و بنده خیال میکنم
که اگر بغیر از ریاست بلدییه که سمت ریاست انجمن را
دارد يك مدیر دیگر و رئیس دیگری از طرف انجمن معین
نکنیم از نقطه نظر صرفه جوئی بهتر است شما رأی میدهید
که يك رئیس اداری علیحده داشته باشیم وزارت داخله
هم يك منتظر خدمتی را معین میکند که اگر صد تومان
دویست تومان عایدی برای بلدییه ها در ولایات هست
از بابت حقوق آنها محسوب شود و بالاخره چیزی بصرف
شهر نمیرسد پس از نقطه نظر تقلیل تشکیلات اداره بلدییه
هیچ ضرری ندارد که بگوئیم حاکم هر شهر مدیر بلدییه
آن شهر هم باشد به این جهت بنده این پیشنهاد را کردم
حالا بسته است بنظر آقایان

مخبر - در موقعیکه مواد قبل مطرح مذاکره بود بصوبه مجلس
مقدس رسید نماینده محترم تشریف نداشتند و بنا بر این گویا
متذکر نیستند که در مواد گذشته يك وظایف و تکالیفی برای
حکام در موقع انتخابات انجمن بلدی در تعیین نظار و

یعنی هر دو قسمت را عجاله حاکم تصدیق کند تا در
آتی به بینیم چه باید کرد ولی بطور کلی بنده با فرمایشات
آقای باسائی مخالف هستم که میگویند رئیس بلدییه در
هر جائی حاکم محل باشد اگر اعزام حکام ولایات
موقوف شود مطلب دیگری است ولی رئیس بلدییه که
در يك اداره ملی میخواهد کار کند باید مأمور رسمی
دولتی تفاوت زیادی دارد

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده عقیده ام این است که چون
انجمن بلدی يك مؤسسه ملی است این قدر اشکال تراشی نکنیم
در ماده نوشته شده است که اداره بلدییه پیشنهاد هائی
بکند که با امضای رئیس بلدییه آن پیشنهادها در
انجمن بلدی مطرح شود اینجا چه احتیاج داریم که
حکومت را هم اضافه کنیم آنوقت هر پیشنهادی که
از طرف بلدییه میشود همیشه بر میخورد بيك اشکالی یا
آقای حاکم امضا میکنند یا طور دیگر میشود بالاخره ما
باید يك کاری بکنیم که جریان کارها عادی تر باشد
پیچ و وایدیش کمتر باشد از آن طرف يك مطلبی که
مورد احتیاج و رضایت اهالی شهر است این را لزومی ندارد
که ثلث اعضاء پیشنهاد بکنند سه نفر هم پیشنهاد بکنند
کفایت میکنند و حق دارند که همان پیشنهاد سه نفر
را مطرح کنند

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده ماده ۳۲ را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم
و مذاکرات انجمن بلدی محدود است به دستوری که
در جلسه قبل معین شده مگر در صورتیکه ثلث اعضاء
حاضر تا آخر ماده

رئیس - آقای فیروز آبادی

کشیدن قرعه ودعوت وکلاء بلدی معین شد و حالا اگر
بخواهیم بگوئیم رئیس بلدییه حاکم است بنده نمیدانم
چه صورتی پیدا میکنند

یاسائی - اگر این پیشنهاد بنده منافات دارد با
موادی که تصویب شده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای روحی جایش اینجا نیست

روحی - قرائت شود

(شرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجز در چهار ایالت که عبارت از
آذربایجان، شیراز، کرمان، خراسان باشد در سایر
مملکت رؤسای بلدییه انتخاب حاکم آن شهر
باشند.

رئیس - مربوط به این ماده نیست

روحی - پس باشد در موقعش بنده توضیح میدهم

رئیس - رأی گرفته میشود ماده بیست و دو با
اصلاحی که آقای فیروز آبادی کردند و آقای مخبر هم
قبول کرد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - این لوایحی که آقای رئیس الوزراء تقدیم
کرده اند تکلیفش را باید معلوم کنیم بکمیسسیون مالیه و
کمیسسیون بودجه مراجعه شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - جلسه آتی سه روز سه شنبه

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)